

نقش تربیت خانواده در اعتیاد به اینترنت

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد شیوه‌های تربیت فرزند بر میزان اعتیاد به اینترنت دختران نوجوان تأثیرگذار است.



نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد شیوه‌های تربیت فرزند بر میزان اعتیاد به اینترنت دختران نوجوان تأثیرگذار است.

به گزارش ایسنا، اینترنت به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی بشر مبدل شده است. همانند سایر تکنولوژی‌ها، این تکنولوژی نیز از سواستفاده یا استفاده ناصحیح مصون نیست. استفاده از این ابزارها به مرور زمان می‌تواند وابستگی و اعتیاد به اینترنت را در پی داشته باشد و حتی سبب تشدید اختلال‌هایی مانند اضطراب و افسردگی شود.

در پژوهشی که مهدی خانجانی، استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی، فرشته قنبری، دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی و ابراهیم نعیمی، استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی انجام داده اند آمده است: «عوامل زمینه ساز اعتیاد به اینترنت را می‌توان در سطح فرد، خانواده و جامعه مطرح کرد. هم چنین این پدیده در بین گروه‌های مختلف سنی وجود دارد، نوجوانان در این بین آسیب‌های بیشتر را در مقایسه با سایر گروه‌های سنی متحمل می‌شوند، چرا که با مشکلاتی در حوزه تحصیل و ورود به بازار کار و اشتغال را برای این افراد به وجود می‌آورد.»

محققان در این مقاله می‌گویند: «در حوزه خانواده، سبک‌های تربیتی والدین از عواملی است که در اعتیاد به اینترنت می‌تواند به ایفای نقش بپردازد. بر اساس الگوی بامریند و شیفر دو محور اساسی در رفتار و تعامل‌های والدین در ارتباط با فرزندان وجود دارد: محبت و کنترل، از ترکیب این دو بعد چهار سبک مختلف فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیر و کناره‌گیر ایجاد می‌شود که سه سبک اخیر شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد محسوب می‌شوند. والدین دارای شیوه مستبدانه پرتوقع بوده، پذیرای نیازهای فرزندان خود نبوده، دارای پیام‌های کلامی، و فاقد محتوای عاطفی، کمتر حمایت‌پذیر، کمتر از تقویت‌کننده‌ها استفاده کرده و دارای روش تنبیه و زور برای کنترل فرزندان هستند.»

در بخش دیگری از این مطالعه آمده است: «والدین دارای شیوه سهل‌گیرانه، کنترل اندکی داشته دارای نگرش متضاد در ارتباط با انضباط فرزندان تسلیم در مقابل خواسته‌های فرزندان و دارای استقلال رأی کمتری هستند. فرزندان پرورش یافته این شیوه به هنگام مواجهه با مشکلات تمایل به واپس روی دارند و پرخاشگر هستند. والدین دارای شیوه مقتدرانه دارای استدلال منطقی هستند، تاب مقاومت در برابر خواسته‌های نامعقول و عصیانیت فرزندان دارند. در ابراز محبت و استفاده به موقع از تقویت‌کننده‌ها مهارت دارند و از علایق و ویژگی‌های فرزندان خود اطلاع دقیقی دارند.»

خانجانی و همکارانش در این پژوهش می‌گویند: «در ارتباط با اعتیاد به اینترنت کارکرد خانواده نیز تأثیرگذار است. هر خانواده یک ساختار دارد که این ساختار زمانی که خانواده در شرایط واقعی باشد شناخته می‌شود. پژوهشگران می‌گویند اعتیاد به اینترنت صرفاً مشکل یک فرد نیست بلکه مشکلی است که خانواده مسئول آن است و این مشکل به واسطه پیامدهای بد کارکردی خانواده می‌تواند ایجاد شود.»

در بخش دیگری از این مقاله آمده است: «می‌توان بیان کرد که در ارتباط با اعتیاد به اینترنت سبک‌های دل‌بستگی نیز از جمله عوامل مؤثر هستند. به عقیده بالبی، روانکاو انگلیسی، بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت نتیجه محرومیت کودک از مراقبت مادرانه یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دل‌بستگی است. سبک‌های دل‌بستگی می‌تواند منجر به طرز رفتار، افکار و هیجانات خاصی در افراد شود که در صورت بدکارکردی با اختلالات شخصیت نیز مرتبط هستند. می‌توان انتظار داشت که سبک‌های دل‌بستگی مانند سبک دل‌بستگی اجتنابی، دارای سطوح بالای اضطراب و افسردگی است. این افراد دارای کیفیت زندگی پایین و سلامت روان نامطلوبی هستند. اینترنت می‌تواند به عنوان یک نوع مکانیزم تنظیم هیجان و مقابله با مشکلات روان‌شناختی این افراد مورد بررسی قرار بگیرد، چرا که اینترنت می‌تواند به برقراری یک رابطه طولانی، پرکردن اوقات فراغت عدم رویارویی واقعی با افراد و موقعیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود.»

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش مطالعه همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دختر ۱۲ تا ۱۸ سال منطقه پنج تهران در نیم سال دوم تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به تعداد ۲۶۸۸ نفر تشکیل می‌دهند. از این میان

جامعه آماری پژوهش حاضر ۳۳۸ در نظر گرفته شده است. ابزارهای پژوهش مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، پرسشنامه ی سبک های تربیتی فرزندپروری شیفر، آزمون اعتیاد به اینترنت و ابزار سنجش خانواده (FAD) بوده است.

نویسندگان این مقاله می گویند: «نتایج تجزیه تحلیل داده ها نشان داد که در بین متغیرهای کارکرد خانواده با اعتیاد به اینترنت ارتباط منفی وجود داشت. نتایج مربوط به رابطه کارکرد خانواده با اعتیاد به اینترنت نشان داد که حل مسئله، ارتباط، نقش ها، پاسخ دهی عاطفی و کارکرد عمومی با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی معناداری دارند یعنی به موازات افزایش این متغیرها شاهد کاهش سطح اعتیاد به اینترنت بودیم. هم چنین بین مؤلفه های مشارکت عاطفی و کنترل رفتار از مؤلفه های منفی و نامطلوب کارکرد خانواده هستند که اشاره به درهم آمیختگی، عدم استقلال، از بین رفتن مرزهای فردیت و عدم احترام به مرزها و محدوده های شخصی است که در صورت افزایش این مؤلفه شاهد افزایش اعتیاد به اینترنت بودیم.»

طبق این پژوهش «در بین سبک های تربیتی مقتدر و سلطه گر با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی معنادار و بین سبک تربیتی بی توجه، با اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین سبک های فرزندپروری، سبک بی توجه بیشترین تأثیر را در گرایش اعتیاد به اینترنت دارد. هم چنین برخی نتایج پژوهش های پیشین نشان داد که سبک های تربیتی بی توجه به والدین، رابطه معنی داری با میزان استفاده دانش آموزان از اینترنت دارد. افراد دارای سبک دل بستگی ناایمن به خاطر احساس ناایمنی، اضطراب و عدم اعتمادی که نسبت به خود یا دیگران دارند، هنگامی که در ایجاد و برقراری ارتباط با دیگران شکست می خورند، بیشتر انزوا و تنهایی را ترجیح می دهند و این امر باعث می شود که به اینترنت گرایش بیشتری داشته باشند.»

همچنین عوامل مرتبط با خانواده نقش به سزایی در گرایش به اعتیاد به اینترنت نوجوانان دارد، در واقع می توان بیان کرد که خانواده هایی که دچار عملکرد مختل و نامطلوب هستند به طرق مختلف فرزند خود را به استفاده افراطی از اینترنت سوق می دهند. از محدودیت های پژوهش حاضر می توان به محدودیت در بررسی سایر متغیرهای مربوط به فرد آزمودنی ها به دلیل تعداد زیاد سوالات و خستگی آزمودنی ها و محدودیت در تعمیم دهی نتایج پژوهش به جنسیت پسر اشاره کرد.

این پژوهش در شماره ۳۷ دهمین دوره فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی منتشر شده است.